سی‌ویکمین همایش بانکداری اسلامی: بانکداری اسلامی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب
۹ و ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۰، صص. ۲۱۹-۲۵۰

چهارچوب مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا با تأکید بر استانداردها و دستورالعمل‌های هیئت خدمات مالی اسلامی

سیدباقر فتاحی[۱]
حجت‌اله دهقان[۲]

چکیده

هدف اصلی مقاله، مطالعه چهارچوب مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون رباست. از دیگر اهداف تحقیق، بررسی اصول بنیادی مدیریت ریسک بانکداری اسلامی و ریسک‌های منحصربه‌فرد پیش‌روی نهادهای خدمات مالی اسلامی است. ارزیابی استانداردها و دستورالعمل‌های هیئت خدمات مالی اسلامی در رابطه با مدیریت ریسک، کفایت سرمایه و چگونگی عملیاتی‌شدن این دستورالعمل‌ها در چهارچوب مقررات بازل از دیگر اهداف پژوهش است. برای نیل به اهداف و یافتن پاسخ به مسائل تحقیق، پژوهشگران از روش اسنادی بهره گرفته‌اند و ادبیات و مباحث نظری دانش، یعنی منابع علمی، استدلال‌های پژوهشگران، کتاب‌ها، مقالات و... با کلیدواژه‌های کفایت سرمایه، مقررات بازل، هیئت خدمات مالی اسلامی و ... مورد تحلیل قرار گرفته است.

تحلیل مبانی نظری و ادبیات تحقیق بیان‌کننده آن است که اکثر مشکلاتی که در حال حاضر پیش‌روی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی قرار دارند، برایند شکست در مدیریت ریسک است که ناشی از تنوع کم، فقدان انعطاف‌پذیری مالی و استراتژی‌های تأمین سرمایه نامتوازن است و این نشان‌دهنده اهمیت مدیریت ریسک برای رشد کل صنعت بانکداری اسلامی است. پیشنهاد می‌شود؛ صنعت بانکداری اسلامی با زمینه‌سازی لازم از قبیل نوآوری بیشتر، شفافیت بیشتر، ساختار و فرهنگ مدیریت ریسک قوی‌تر در چهارچوب هیئت خدمات مالی اسلامی و مطابقت بیشتر با اصول شریعت در مقابله با بحران‌های مالی، قوی‌تر عمل کند. همچنین، با توجه به عدم پوشش برخی از اصول و ملاحظات مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، پیشنهاد می‌شود؛ الزامات مربوط به محاسبات نسبت کفایت سرمایه و سرمایه نظارتی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظر شورای محترم فقهی بانک مرکزی ج.ا.ا. بازنگری شود.

واژه‌های کلیدی: بانکداری بدون ربا، کفایت سرمایه، مقررات بازل، هیئت خدمات مالی اسلامی
JEL: E51, G21, G32, G23, C49

---

[۱] رئیس هیئت‌مدیره بانک توسعه تعاون (نویسنده مسئول)؛ nosrati81@yahoo.com
[۲] معاون برنامه‌ریزی اداره آموزش بانک توسعه تعاون

مقدمه

امروزه، مدیریت ریسک یکی از چالشی‌ترین موضوعات اصلی در نظام بانکداری بدون رباست. اگر چه صنعت بانکداری اسلامی طی چند سال گذشته شاهد پیشرفت قابل‌توجهی بوده است، اما بانک‌های اسلامی هنوز هم در رابطه با اندازه‌گیری و مدیریت ریسک با چالش‌های عمده‌ای مواجه‌اند. در عین حال، بروز بحران‌های مالی اخیر در سراسر جهان باعث شده تا موضوع مدیریت ریسک مورد توجه زیادی قرار بگیرد. ناگفته نماند که برای اکثر صندوق‌های بین‌المللی، مسئله مدیریت ریسک، چالش‌های خاصی را به‌همراه دارد. این تحقیق علاوه بر جنبه نظری، به چند دلیل می‌تواند کاربردهای عملی زیادی نیز داشته باشد: نخست این‌که، این تحقیق بر جنبه مدیریت ریسک بانکداری اسلامی تمرکز دارد. در حالی که در این حوزه تحقیقات بسیار کمی انجام شده است. دوم این‌که، در این پژوهش، از بررسی مبانی نظری، نتایج تحقیقات و مطالعات تا بررسی‌های عینی عملیاتی، تحقیقات نظری و عملی به‌صورت یکپارچه بهره‌برداری شده است. نکته قابل‌تأمل این است که در بانکداری اسلامی بین نظریه و عمل در واقعیت تفاوت‌های آشکاری وجود دارد که همین امر به تمایز بین استانداردهای موجود و شیوه‌های واقعی مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی منجر می‌شود.[۱] هدف اصلی تحقیق حاضر، مطالعه چهارچوب مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون رباست. در راستای نیل به این هدف، اهداف زیر طراحی شده است:

۱- بررسی اصول بنیادی مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و ریسک‌های منحصربه‌فرد پیش‌روی مؤسسات مالی اسلامی؛

۲- ارزیابی استانداردها و دستورالعمل‌های هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)[۱] در رابطه با مدیریت ریسک، کفایت سرمایه و نحوه عملیاتی‌شدن این دستورالعمل‌ها در چهارچوب بازل ۲ و بازل ۳.

---

۱ هیئت خدمات مالی اسلامی (Islamic financial services board) در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ تأسیس و فعالیت رسمی آن از مارس ۲۰۰۳ آغاز شد. هیئت خدمات مالی اسلامی دارای ۵۲ عضو است و به سه گروه اعضای اصلی (دارای حق رأی)، اعضای فرعی (بدون حق رأی) و ناظرین (بدون حق رأی) تقسیم می‌شود. هیئت خدمات مالی اسلامی به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی، مسئول ارائه استانداردهای مؤسسات نظارتی و قانون‌گذاری بوده و مقررات مربوط را جهت حصول اطمینان از ثبات و استحکام بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، وضع می‌کند. تأسیس نهاد مذکور حاصل تلاش بانک‌های مرکزی، بانک‌ها، مؤسسات مالی کشورهای مختلف و همچنین بانک توسعه اسلامی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی است. بانک‌های مرکزی ۱۲ کشور همچون ایران و بانک توسعه اسلامی، اعضای اصلی و صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک تسویه بین‌المللی و بانک سانترال فیلیپین، اعضای فرعی هیئت مذکور را تشکیل می‌دهند. اهداف عمده هیئت خدمات مالی اسلامی عبارتند از: ۱- توسعه معیارهای شفافیت و مقررات احتیاطی در ارائه خدمات مالی اسلامی از طریق معرفی استانداردهای بین‌المللی در تطابق با اصول شریعت اسلام؛ ۲- ارائه دستورالعمل در زمینه‌های نظارتی و تدوین مقررات مؤسسات مالی اسلامی به انضمام ارائه معیار برای شناسایی، اندازه‌گیری، مدیریت و آشکارسازی انواع ریسک‌های بانکی؛ ۳- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای تدوین استانداردهای مربوط به ثبات و استحکام سیستم پولی و مالی جهانی و مؤسسات مالی کشورهای عضو؛ و ۴- تشویق همکاری میان کشورهای عضو برای گسترش خدمات مالی اسلام.

اصول و الزامات متعددی برای مدیریت ریسک مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی (غیر از مؤسسات بیمه) تدوین و ارائه شده است. ضروری‌ترین الزامی که این‌گونه مؤسسات جهت تطبیق با مقررات و اصول شریعت با آن روبه‌رو هستند، ممنوعیت ایجاد سود بدون متحمل‌شدن هرگونه ریسک است. این نوع مؤسسات به دلیل مسئولیت وکالت ملزم هستند تا از ابزارهای کاهش ریسک تطبیق مقررات شریعت استفاده کنند. مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید از مدیریت ریسک جامع و فرایند گزارشگری، تحت نظارت مدیرعامل و هیئت‌مدیره برخوردار باشند تا به شناسایی، اندازه‌گیری، پایش، گزارش و کنترل طبقه‌بندی‌های مورد نیاز ریسک مبادرت‌کرده و سرمایه مورد نیاز برای مواجهه با این ریسک‌ها را نیز نگهداری کنند. این فرایند نیازمند گام‌هایی است به‌منظور تطبیق با اصول و مقررات شرعی تا اطمینان از کفایت گزارش‌دهی ریسک به مقام ناظر حاصل شود.

ساختار مقاله حاضر بدین‌صورت است که نخست مرور کلی بر مبانی نظری و ادبیات پژوهش مشتمل بر اهمیت سیستم صنعت بانکداری اسلامی و رشد بالقوه آن صورت پذیرفته، سپس مفاهیم قراردادهای مختلف مالی اسلامی، انواع ریسک‌های پیش‌روی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی و بانکداری متعارف، چهارچوب بازل، هیئت خدمات مالی اسلامی، مقررات کفایت سرمایه برای نهادهای مالی اسلامی در دنیای مالی که تحت سلطه استانداردهای بازل است، اشاره خواهیم کرد. در نهایت، در بخش پایانی، یافته‌های پژوهش بحث و جمع‌بندی خواهد شد.

سیستم بانکداری اسلامی و رشد بالقوه آن

در حدود دو دهه گذشته، بانکداری اسلامی رشد چشمگیری در سراسر جهان داشته است. یکی از دلایل اصلی رشد سریع بانکداری اسلامی در جهان، تمایل مسلمانان به استفاده از خدمات مالی مطابق با شرع مقدس اسلام است. این تمایل که ناشی از تحریم شدید ربا در دین مبین اسلام است، موجب‌شده تقاضای خدمات مالی اسلامی در بین مسلمانان جهان به شکل روزافزون رشد کند و دقیقاً به همین علت است که بانک‌های متعارف بزرگ دنیا با تأسیس مؤسساتی که خدمات مالی اسلامی ارائه می‌دهند، سعی در توسعه فعالیت‌های خود در این صنعت دارند. همراه با این رشد سریع، متفکران و اندیشمندان اسلامی همواره راهکارهایی را برای تسریع این پیشرفت و جلوگیری از کندشدن روند آن ارائه کرده‌اند.[۲]

یکی از مهمترین اهداف در اسلام، تحقق عدالت و برابری است و نظام مالی اسلامی نیز ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی در بُعد اقتصادی است. دو اصل مهم که به تحقق عدالت در بخش اقتصادی کمک می‌کند عبارتند از:

الف- مشارکت صاحب سرمایه در سود و زیان حاصل از فعالیت اقتصادی؛

ب- ملزم بودن بانک و مؤسسات مالی برای اختصاص بخشی از سرمایه خود به فقیران و از بین‌بردن فقر با ایجاد اشتغال به‌طور یکسان برای تمام قشرهای جامعه که به کاهش نابرابری‌های درآمدی و متوازن‌شدن روند توزیع ثروت در جامعه می‌انجامد. بنابراین، بانکداری اسلامی مبتنی بر اصل تحریم رباست، چرا که در نظام مالی متعارف، صاحبان سرمایه، اندوختن ثروت از راه دریافت نرخ بهره پولی را بر سرمایه‌گذاری مقدم می‌شمارند و این موجب ایجاد رکود اقتصادی و عدم اشتغال در جامعه می‌شود.

در حال حاضر، انواع مختلف بانک‌ها در نظام بانکداری متعارف به فعالیت مشغول هستند که بحث در مورد بانکداری اسلامی نیازمند شناخت دقیق آن‌ها و به‌ویژه درک ماهیت حقوقی آن‌هاست. برای مثال، یکی از مهمترین انواع بانکداری متعارف، بانکداری تجاری است. می‌توان مدعی بود که بانک تجاری، مؤسسه‌ای مالی است که با هدف کسب سود، وجوه مردم را با انواع مختلف سپرده دریافت کرده و به اشکال مختلفی چون وام، اعتبار، خرید و فروش اوراق بهادار و... در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. این بانک‌ها به‌جهت این‌که همانند یک تاجر در پی سود هستند، بانک‌های تجاری نامیده شده‌اند و در زمینه‌های مختلف اقتصادی به فعالیت می‌پردازند. (میشکین: ۲۰۱۳، ص. ۳۵۶)[۳] فعالیت‌های بانک‌های تجاری اگرچه یکسان نبوده و از بانکی به بانک دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است، عمده عملیات بانکی معمولاً جذب سپرده‌های بانکی اعم از سپرده‌های دیداری، سپرده‌های پس‌انداز، سپرده‌های مدت‌دار و ارائه خدمات بانکی مانند ارائه تسهیلات به متقاضیان اعم از اعتبارات کوتاه‌مدت، اعتبارات میان‌مدت، اعتبارات بلندمدت، خرید و فروش اوراق بهادار، سرمایه‌گذاری مستقیم، خرید و فروش ارز و سکه و حفظ امانات را شامل می‌شود. بررسی ادبیات موجود در نظام بانکداری اسلامی به‌خوبی نشان می‌دهد که هرچند تعریف واحدی از بانکداری اسلامی ارائه‌نشده و پژوهشگران گوناگون تعاریف مختلفی از این دانش ارائه داده‌اند (صدیقی: ۱۳۸۹، ص. ۴۳)[۴]، اما به نظر می‌رسد می‌توان این نوع بانکداری را این‌طور تعریف کرد: «بانکداری اسلامی، نوعی الگوی خاص یا تعدیل شده‌ای از بانکداری متعارف است که در آن تلاش می‌شود تمامی روابط و مناسبات سازگار با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام مانند عدالت و اخلاق تنظیم شود.» بر

همین مبنا، «بانک اسلامی، مؤسسه‌ای است که در چهارچوب اهداف و احکام اقتصادی اسلام، به‌منظور کسب سود به‌روزآوری سپرده‌ها، دادن تسهیلات و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی اقدام می‌ورزد».

تعریف بانکداری بدون ربا مشابه بانکداری اسلامی است با این تفاوت که در بانکداری بدون ربا، تأکید اصلی بر مسئله حذف ربا از مناسبات و روابط بوده و سایر موارد در اولویت دوم قرار دارد. بنابراین، واضح می‌شود که بانکداری اسلامی الگوی تکامل‌یافته‌ای از بانکداری بدون ربا بوده یا این‌که بانکداری بدون ربا حالت خاصی از بانکداری اسلامی است.[۱] بانکداری اسلامی، نظامی –به عبارتی دقیق‌تر، خرده نظامی– از الگویی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی است. از این‌رو، لازم است بر تمام اصول اساسی که در حوزه اقتصاد اسلامی مورد توجه واقع می‌شود، در نظام بانکداری اسلامی نیز تمرکز شود.[۲] با وجود این مسئله، برخی اصول هستند که در نظام اقتصاد اسلامی مطرح بوده و به‌طور ویژه در بانکداری اسلامی اثرگذاری دارند. مهمترین و اثرگذارترین این اصول عبارتند از:

۱- عادلانه‌بودن تمامی روابط و مناسبات؛

۲- سازگاری تمام روابط با اخلاق اسلامی؛

۳- آزادی عوامل اقتصادی در چهارچوب محدود؛

۴- ارتباط و تناسب روابط پولی و اعتباری با بخش حقیقی اقتصاد؛

۵- تأمین اصول، مبانی، قواعد و دستورهای فقهی در حوزه معاملات.

ویژگی منحصر به فرد بانکداری بدون ربا در وهله اول خالی‌بودن از ربا و در مرحله بعدی، استفاده از قاعده تقسیم سود و زیان[۳] بین مشتری و بانک در عقود مشارکتی است. (ترک‌آریس و سری‌الدین: ۲۰۰۷؛ عبدالکریم و همکاران: ۲۰۱۴؛ زینس و ویل: ۲۰۱۷) از طرفی، تفاوت عمده بین بانکداری متعارف و اسلامی در نوع رابطه بین بانک و مشتری است. به‌طوری که در بانکداری متعارف بین بانک و

---

[۱] در اینجا لازم است در رابطه با عبارت «بانکداری و تأمین مالی اسلامی» توضیحی ارائه شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این عبارت از دو بخش تشکیل‌شده که عبارت است از: «بانکداری اسلامی» و «تأمین مالی اسلامی» که بعضاً به‌صورت اختصار، «مالی اسلامی» نامیده می‌شود. بررسی ادبیات اقتصاد و بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که این دو واژه رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق دارند. به این معنی که بانکداری اسلامی خاص بوده و به بازار پولی اسلامی (و مؤسسات پولی– اعتباری) پرداخته، اما مالی اسلامی عبارتی عام بوده که شامل مؤسسات پولی، مالی و بیمه‌ای اسلامی می‌شود. بنابراین، در این مقاله هر جا از عبارت «بانکداری اسلامی» استفاده شود، صرفاً بازار پول و اعتبار اسلامی مورد توجه است.

[۲] برخی از پژوهشگران به تبیین اصول اساسی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. برای مثال، شهید صدر در کتاب اقتصادنا می‌نویسد: «ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی از سه اصل اساسی تشکیل شده که بر طبق آن، محتوای نظام اقتصاد اسلامی مشخص می‌شود. این سه اصل عبارت است از: اصل مالکیت مختلط، اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود و اصل عدالت اجتماعی». (صدر: ۱۳۴۹، ج. ۱، ص. ۳۵۴)

[3] PLS: Profit–Loss Sharing

گیرنده تسهیلات یک رابطه مستقیم به‌صورت دائن و مدیون وجود دارد؛ اما در بانکداری اسلامی، وجوه سپرده‌گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین روی دارایی خاصی واگذار می‌شود.

نوع خاصی از بانکداری بدون ربا که تقریباً در تمام کشورهای اسلامی اهل تسنن مورد استفاده قرار می‌گیرد، الگوی بانکداری اسلامی با رویکرد قراردادهای موازی است.[۱] در این الگو، بانک از یک‌سو با سپرده‌گذار وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری عام یا خاص می‌شود –شامل تمام عقود اسلامی مانند عقود مشارکتی و مبادله‌ای– طوری که طرف حساب و معامله سپرده‌گذار و متعهد به او، بانک است و از سوی دیگر، بانک یک قرارداد اسلامی مشخص با تسهیلات گیرنده منعقد می‌کند. برای مثال، در راستای مدل بانکداری قراردادهای موازی، محققانی از قبیل زیشان فرخ (۲۰۱۵)، احمد و خان (۲۰۰۷) و الفیجاوی (۲۰۱۷) به قراردادهای موازی از قبیل سَلَم موازی، استصناع موازی، مرابحه موازی و ... در پژوهش خود اشاره کرده‌اند.[۵] تفاوت این مدل با مدل وکالتی در این است که در این مدل، وجه واسطه مالی بودن بانک نمود کاملی دارد. برخلاف مدل وکالت که بانک صرفاً از سپرده‌گذاران نمایندگی دارد و با توجه به این‌که اَمین آن‌ها محسوب می‌شود، گویی کارگزار سپرده‌گذاران است، نه واسطه سومی که بین دو طرف سپرده‌گذاران و متقاضیان تأمین مالی قرار می‌گیرد و در قبال هر دو طرف مسئولیت دارد. مگر این‌که بانک به‌عنوان وکیل بخواهد به موکلان خود ضمانت دهد که این کار توجیه فقهی و حقوقی ندارد. (موسویان: ۱۳۸۸) بنابراین، با تفاوت نقش بانک در این دو نوع بانکداری بدون ربا، ریسک‌های بانکی هم به لحاظ کمیت و کیفیت دستخوش تغییر می‌شوند. در ادامه، انواع قراردادهای مختلف مالی اسلامی مشخص شده و تبیین می‌شوند.

قراردادهای مالی اسلامی

انواع معاملات موجود در بانکداری اسلامی با هدف سرمایه‌گذاری می‌تواند به دو دسته اصلی تقسیم شود: روش‌های مشارکت در سود و زیان و معاملات دارای ساختار قابل بازده پیش‌بینی‌پذیر یا سود ثابت. در ادامه، برخی از قراردادهای معاملاتی پرکاربرد در نظام بانکداری بدون ربا اشاره می‌شود.[۶]

---

[۱] مدل دیگری از بانکداری بدون ربا مربوط به بانکداری وکالتی است. در این مدل، بانک با توجه به عقود اسلامی به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار، به سرمایه‌گذاری سپرده‌ها با طرف گیرنده تسهیلات اقدام می‌کند و پس از اتمام پروژه به دریافت حق‌الوکاله خود به‌صورت ثابت یا درصدی از سود سرمایه‌گذاری بر حسب نوع قرارداد، اقدام می‌کند.

قرض‌الحسنه

در بانکداری اسلامی، بانک‌ها برای تخصیص بخشی از منابع خود به قشرهای نیازمند جامعه از عقد قرض‌الحسنه استفاده می‌کنند. ماهیت فقهی این قرارداد، قرض بدون بهره است و بانک در مقابل پول قرض داده شده، سودی نمی‌گیرد؛ اما در مقابل خدمات خود، کارمزد دریافت می‌کنند. (السان: ۱۳۸۹، ص. ۱۲۱)

مرابحه[1]

یکی از عقود بسیار پرکاربرد در بانکداری اسلامی، عقد مرابحه است. عقد مرابحه به دلیل سادگی در بسیاری از بانک‌های اسلامی (به‌ویژه در سایر کشورها) استفاده می‌شود، به‌نحوی که مثلاً در برخی بانک‌های اسلامی، حدود ۹۵ درصد تسهیلات بر اساس عقد مرابحه به متقاضیان پرداخت می‌شود. بنا به تعریف، معامله مرابحه نوعی فروش با پرداخت مؤخر یا فروش با اعتبار اقساطی است و عمدتاً برای خرید کالا به‌منظور تحویل فوری با پرداخت مؤخر (مدت‌دار) مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان بخشی از قرارداد میان خریدار و فروشنده، قیمت کالاها، افزایش قیمت، تاریخ تحویل و تاریخ پرداخت مورد توافق قرار می‌گیرد. فروش کالا آنی است و پرداخت آن در آینده صورت می‌پذیرد. خریدار از قیمت و کیفیت کالاهایی که می‌خرد، اطلاعات کاملی دارد. علاوه بر این، خریدار از میزان دقیق حاشیه سودی که باید بپردازد نیز آگاه است.

مضاربه[2]

مضاربه در لغت یعنی تجارت با سرمایه دیگری و در اصطلاح، عقدی است که به موجب آن فردی (مالک)، مالی را در اختیار فردی دیگر (عامل) می‌گذارد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصل‌شده میان آن دو به نسبت معینی که توافق کرده‌اند، تقسیم شود. (ابن‌منظور: ۱۴۰۵ ق.، ج. ۳، ص. ۲۱) به بیانی دیگر، معامله مضاربه، نوعی معامله شراکتی است که طی آن تنها یکی از طرفین، سرمایه را تأمین می‌کند (رب‌المال) و طرف دیگر (مضارب) مهارت و تخصص را فراهم می‌کند. این نوع معامله، زیرمجموعه‌ای از مشارکت است. اگرچه سرمایه‌گذار می‌تواند شرایط توافق‌شده مشخصی را به قرارداد تحمیل کند، اما حق دخالت در عملکردهای روزانه کسب و کار را ندارد. با توجه به این واقعیت که یکی از طرفین اداره‌کننده کسب و کار است و طرف دیگر تنها تأمین‌کننده سرمایه است،

[1] Murabaha
[2] Mudaraba

رابطه میان طرفین براساس اعتماد شکل می‌گیرد. چون سرمایه‌گذار به‌شدت به توانایی‌های مدیریت کسب و کار متکی است و صداقت او در هنگام مشخص‌کردن میزان سود معامله آشکار می‌شود.

مشارکت انتفاعی[1]

مشارکت به‌معنای اشتراک‌گذاری است که در اصطلاحات مالی به مشارکت یا ساز و کار مشارکت انتفاعی از آن یاد می‌شود. در مشارکت، همه طرفین، سرمایه، مهارت و تجربه خود را وارد پروژه می‌کنند و در سود و زیان شریک می‌شوند. مهارت و تجربه می‌تواند از نیروی کار تا مدیریت متغیر باشد. اگرچه، بیش از دو طرف می‌توانند در مشارکت حضور داشته باشند، اما قاعده کلی این است که هر یک از طرفین سهمی از سرمایه، مهارت و تجربه را وارد سرمایه‌گذاری مشترک کنند. گرچه، احتمال دارد که هر یک از طرفین از فعالیت در کارهای روزانه شراکت معاف شده و به یک شریک غیرفعال تبدیل شود که صرفاً سرمایه‌گذاری می‌کند. برخی از محققین استدلال می‌کنند که سهم سود این شریک باید در تناسب مستقیم با میزان سرمایه یا آورده او باشد. سایر محققین معتقدند که این شریک سهم کمتری از سود را دریافت می‌کند و در نتیجه با به رسمیت‌شناختن تلاش‌های بیشتر شرکای دیگر، آن‌ها را مستحق سهم بالاتری می‌دانند. در این صورت، سهم سرمایه تنها عاملی نیست که در تعیین نسبت شراکت در سود در نظر گرفته شود. در این خصوص مسئولیت شرکا از نظر فنی نیز نامحدود است.

مشارکت انفعالی[2]

مشارکت نزولی یا تقلیلی شکل خاصی از معامله مشارکت است که طی آن از آغاز میان طرفین توافق می‌شود که یکی از آن‌ها در طول زمان، واحدهای سرمایه‌گذاری مشارکتی را با قیمت واحد از قبل توافق‌شده از طرف‌های دیگر خریداری کند. در آغاز توافق، پروژه به چند واحد مساوی تقسیم می‌شود. توافق بازخرید می‌تواند تدریجی و در طول زمان بوده و در هر دوره دارای تعداد واحدهای ثابت یا افزایشی باشد. متناوباً، بازخرید واحدها می‌تواند متناسب با زمان و شرایط طرف خریدار صورت گیرد. در یک مشارکت نزولی، توافق بازخرید بخشی از قرارداد است. هنگامی که خریدار، واحدهای سرمایه‌گذاری‌شده بیشتری را خریداری می‌کند، سهم نسبی او از سرمایه افزایش می‌یابد و در نتیجه

[1] Joint Venture
[2] Passive Partnership

مسئولیت او در برابر زیان نیز افزایش می‌یابد. نسبت‌های سود طی زمان هر خرید یا به‌صورت دوره‌ای با توجه به شرایط بین شرکا مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

اجاره[1]

اجاره در لغت به‌معنای اجر، مزد و پاداش عمل آمده و در اصطلاح، عقدی است که به موجب آن، مستأجر در برابر مال معینی، برای مدت مشخصی مالک منفعت عین مستأجره یا عمل اجیر می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ ق.، ج. ۱، ص. ۲۲۱) معامله «اجاره»، معادل اسلامی لیزینگ است و تحت عنوان یک قرارداد دوجانبه تعریف می‌شود که امکان انتقال حق انتفاع را فراهم می‌کند و اساساً به این معنی است که یک‌طرف (مؤجر) به‌طرف دیگر (مستأجر) اجازه می‌دهد در ازای پرداخت اجاره‌بها از دارایی او استفاده کند. دو نوع معامله اجاره وجود دارد: اجاره عملیاتی و اجاره مالی. هر دو در زبان عربی اجاره نامیده می‌شوند، اما اجاره مالی به‌همراه شرط تملیک می‌آید و نشان می‌دهد؛ در پایان دوره مدت معامله، مالکیت دارایی به مستأجر منتقل می‌شود. تنها تمایز میان این دو اجاره وجود یا عدم وجود دارایی است که مستأجر در پایان مدت اجاره از مالک می‌خرد. در یک اجاره مالی، تعهد خرید در آغاز قرارداد بیان می‌شود و تحت هیچ شرایطی اجاره نمی‌تواند مشروط به تعهد خرید باشد. (در واقع، اجاره‌دهنده نمی‌تواند شرط کند که تنها در صورتی اجاره می‌دهد که مستأجر تعهد خرید را امضا کند).

استصناع[2]

واژه استصناع از باب استفعال و از ماده صُنع است و در لغت، سفارش و درخواست ساخت چیزی را می‌گویند. از نگاه عرف، عبارت است از: این‌که کسی با صنعتگر (مثل نجار) قرارداد ببندد که کالای مشخصی را در زمان معینی برای او بسازد. (حسینی واسطی: ۱۴۱۴ ق.، ج. ۴، ص. ۴۱) قرارداد استصناع مانند قرارداد سَلَم، قرارداد خریدی است برای تحویل یک دارایی در آینده و از دو شرط مربوط به موضوع دارایی، یعنی «وجود مالکیت» و شرط «موجود بودن کالای تولید شده» در زمان عقد قرارداد معاف است. برخلاف قرارداد سَلَم، در قرارداد استصناع نیازی نیست که پرداخت به تولیدکننده یا پیمانکار دارایی از قبل به‌صورت کامل صورت گیرد. پرداخت‌ها در اقساط مختلف و هماهنگ با پیشرفت تولید دارایی صورت می‌گیرد و در نتیجه با سرمایه و ساختار پروژه هماهنگ می‌شود. دارایی

[1] Ijara
[2] Istinsa

موضوع قرارداد باید تولید، ساخته یا فرآوری شود و دارای اندازه قابل‌توجه بوده و ارزش سرمایه‌گذاری داشته باشد. قرارداد استصناع عموماً بلندمدت‌تر است.

قرارداد عربون[1]

این قرارداد شامل یک پرداخت اولیه در یک قرارداد فروش است. در این مورد، خریدار و فروشنده در مورد قیمت و تاریخ تصفیه توافق می‌کنند و پیش‌پرداختی از سوی خریدار صورت می‌پذیرد. اگر خریدار معامله را به هم بزند، مبلغ پیش‌پرداخت خود را از دست می‌دهد. اگر فروشنده، دارایی را تحویل دهد، پیش‌پرداخت اولیه بخشی از کل مبلغ آن کالا محسوب می‌شود و تنها مابه‌التفاوت با قیمت اصلی را باید دریافت کند. این قضیه متفاوت با قیمت اختیار است که مبلغی را علاوه بر قیمت عملیاتی واقعی ارائه می‌دهد.

قرارداد سَلَم[2]

قرارداد سَلَم از دو شرط قراردادی که به‌صورت عادی اعمال می‌شود، معاف است: نخست این‌که، در زمان قرارداد نیازی نیست که دارایی وجود داشته باشد و دوم این‌که، فروشنده مجبور به داشتن مالکیت نیست. قرارداد سَلَم (سلف) به‌منظور پوشش ریسک‌های احتمالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این قرارداد، مبلغ کالای خریداری‌شده به‌صورت نقدی و به‌صورت کامل پرداخت می‌شود. از این قرارداد در مورد کالاهایی که موعد تحویل آن‌ها در آینده است، به شرطی استفاده می‌شود که کالا مانند فلزات پایه، قابل‌تعویض باشد. ویژگی‌های قرارداد سَلَم همانند ویژگی‌های قراردادهای آتی متعارف است؛ اما برخلاف قراردادهای متعارف، در قرارداد سَلَم، کالای مورد نظر در پایان مدت قرارداد تحویل داده می‌شود. هر دو قرارداد عربون و سَلَم به همراه سایر ابزارهای موجود می‌تواند سطح قابل توجهی از مخاطرات را کاهش دهد. با وجود این، استفاده از ابزار و مشتقات موجود که در میان سرمایه‌گذاران متعارف رایج است، برای سرمایه‌گذاران اسلامی ناممکن است.

جعاله

جعاله در لغت به معنای اجرت عامل، حق‌العمل و مزد است و در اصطلاح، یعنی انسان متعهد شود در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند، مال (اجرت) معینی بپردازد. این قرارداد در قدیم به‌صورت جزئی و

[1] Arbon
[2] Salam

شخصی انجام می‌گرفت؛ اما با روی کارآمدن نظام‌های جدید اقتصادی می‌توان این قرارداد را در سطح کلان (توسط دولت یا بانک) اجرا کرد. مثلاً دولت اعلام می‌دارد که هر مؤسسه یا پیمانکاری که معدنی را کشف و استخراج کند، مزایایی به او تعلق خواهد گرفت. (فراهیدی: ۱۴۲۵ ق.، ج. ۲، ص. ۳۱)

حواله

حواله در لغت، انتقال دِین از ذمه‌ای به ذمه دیگر است و در اصطلاح نیز به همین معناست. برای مثال، فرض کنید شخص «الف» از فرد «ب» طلب دارد و به شخص «پ» بدهکار است. شخص «الف» برای پرداخت بدهی خود، سندی را به مبلغ بدهی تنظیم می‌کند و از این طریق، شخص «پ» را برای دریافت بدهی به فرد «ب» ارجاع می‌دهد. با این حواله، بدهی از بدهکار اصلی (فرد «الف») به فرد «ب» منتقل‌شده، ذمه او از بدهی خالی می‌شود و در نتیجه، نهایتاً شخص «پ» از فرد «ب» طلبکار خواهد شد. (حسینی واسطی: ۱۴۱۴ ق.، ج. ۳، ص. ۲۱)

ضمان

ضمان در لغت به‌معنای کفالت و متعهد شدن بوده و در اصطلاح نوعی تعهد اعتباری است که عقلا از این طریق چیزی را بر ذمه خود اعتبار می‌کنند. به بیان دیگر، ضمان، یعنی شخصی نسبت به مالی با نفسی متعهد شود. (طریحی: ۱۴۱۶ ق.، ج. ۲، ص. ۵۵)

صکوک

صکوک از طریق ایجاد نهاد ناشر شکل می‌گیرد که ممکن است جهت کسب دارایی مشخص یا مجموعه‌ای ترکیبی از دارایی‌ها، از آن‌ها استفاده شود. نهاد ناشر، گواهی‌هایی انتشار می‌کند که دارنده آن‌ها، حق مشارکت در جریان‌های نقدی ایجاد شده توسط دارایی را برای دوره زمانی مشخص ایجاد می‌کند. به‌دلیل پرداخت منظم کوپن‌های پرداخت سود، در قانون اسلامی صکوک معادل اوراق بهادار با نرخ درآمد ثابت در بانکداری متعارف تلقی می‌شود. نقش خزانه‌داری بانک، کمک به مشتریانی است که به سرمایه‌گذاری در صکوک تمایل دارند یا کسانی که به افزایش منابع مالی با استفاده از صکوک تمایل دارند.

انواع ریسک‌های پیش‌روی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی و بانکداری متعارف

پس از تبیین انواع قراردادهای معاملات اسلامی، اکنون به بحث در مورد موضوعات مدیریت ریسک در بانکداری می‌پردازیم.

انواع ریسک‌های پیش‌روی بانک‌های متعارف

چهارچوب اخلاقی حاکم بر قوانین تأمین مالی اسلامی مواردی از قبیل قمار، عدم اطمینان و پرداخت‌های ربا را ممنوع تلقی می‌کند. اگرچه در نگاه اول همه‌چیز عالی به نظر می‌رسد، اما این بدان معنا نیست که بانکداری اسلامی بدون هیچ‌گونه مخاطراتی انجام می‌شود یا با حداقل ریسک مواجه است. بانک‌های اسلامی مانند دیگر بانک‌ها و مؤسسات مالی با مخاطرات مالی مختلفی مواجه‌اند و در اکثر کشورها مجبورند از قوانینی مشابه قوانین بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر برای مواجهه با این تهدیدها و نیز رعایت الزامات مربوط به‌حساب سرمایه استفاده کنند. به هر حال، بانک‌های اسلامی با مجموعه‌ای از چالش‌های خاص مدیریت ریسک مواجه‌اند. بانک‌های متعارف با طیف گسترده‌ای از خطرها مواجه‌اند که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

جدول شماره ۱: انواع ریسک‌های پیش‌روی بانک‌های متعارف

انواع ریسک	توضیحات
نقدینگی	ریسک نقدینگی به‌معنی عدم وجود میزان نقدینگی کافی و عدم توانایی بانک در پرداخت بدهی‌ها در سررسید معین است.
نرخ بهره	این نوع ریسک بر اثر عدم تطابق نرخ بهره در حجم، سررسید و نوع دارایی‌های حساس به نرخ بهره، بدهی‌ها و اقلام خارج از ترازنامه مرتبط است که به بهره حساسیت دارند.
اعتباری	ریسک‌های مرتبط با عدم وصول به خاطر قصور یا تأخیر در پرداخت‌نشدن به‌موقع وام یا دارایی یا ریسک تأخیر در بازپرداخت اصل وام و به‌علاوه سود آن.
تسویه یا طرف مقابل	ریسک تسویه یکی از انواع ریسک‌های اعتباری و به معنای احتمال وقوع زیان ناشی از ناتوانی یکی از طرفین در تأمین و رعایت شرایط قرارداد با طرف دیگر در زمان تسویه است. این نوع ریسک زمانی به وجود می‌آید که طرفین معامله به تعهدات خود عمل نکنند و لذا طرف مقابل معامله دچار زیان بالقوه شود.
قیمت	این نوع ریسک نشان می‌دهد که قیمت بازاری یک کالای معامله‌شده در یک بازار مناسب تا چه اندازه ممکن است کاهش یابد. این نوع ریسک در ارتباط با اوراق قرضه بدهی، مشتقات سهام و معاملات نقدی انجام‌شده توسط بانک‌ها ایجاد می‌شود.
اهرم مالی	این ریسک مربوط به این است که قبل از سپرده‌گذاری یا سرمایه‌گذاری تا چه اندازه دارایی‌های بانک می‌تواند در معرض کاهش دارایی یا خطر قرار گیرد.
رویدادی یا عملیاتی	این ریسک مربوط به اتفاقات و بلایا و رخدادهای سیاسی یا حتی عدم دسترسی موقت سیستم‌های کامپیوتری است.
تجاری	این ریسک مرتبط با تغییرات تکنولوژیک، چرخه‌های اقتصادی کلان و محصولات است.

نیاز به ارزیابی این مخاطرات به ارائه معیاری منجر شده است که در حال حاضر برای ارزیابی و اندازه‌گیری خطرهای پیش‌روی بانک‌ها و مؤسسات مالی، کاربرد زیادی دارد و از آن به‌عنوان ارزشِ در معرض ریسک (VaR)[1] یاد می‌شود. ارزش در معرض ریسک، تأثیرات ریسک ناشی از زیان یک سبد دارایی یا به‌طور تجمیعی یک بنگاه را اندازه‌گیری می‌کند و نیز ارزش در معرض ریسک تأثیر اهرم‌های مالی را اندازه‌گیری کرده و تأثیر تنوع را نیز بر مخاطرات هر یک از شرکت‌ها می‌سنجد. نتیجه معادله ارزش در معرض ریسک، حداکثر میزانی است که یک بانک می‌تواند در طول یک روز یا تعدادی از روزها (برای مثال) در طول یک هفته در برابر زیان مقاومت کند و این اغلب در بازه مقداری ۹۵ تا ۹۹ درصد است. ریسک‌های مرتبط شامل مخاطرات سنتی و مخاطرات مربوط به تغییرات نامطلوب مشتقات مالی و محصولات آن‌هاست. علاوه بر این، ارزش در معرض ریسک ممکن است به‌عنوان مبنایی برای محاسبه میزان سرمایه اقتصادی مورد نیاز برای حمایت از کسب و کار استفاده شود که یکی از اجزای مهم برای سنجش ارزش افزوده اقتصادی محسوب می‌شود. در حقیقت، ارزش در معرض ریسک نشان‌دهنده حداکثر میزان مخاطراتی است که ممکن است یک بانک تحت شرایطی خاص با آن مواجه شده باشد و لزوماً به‌عنوان یک معیار داخلی برای کنترل ریسک و تعیین میزان سودآوری محسوب نمی‌شود. برای مثال، یکی از کاربردهای ارزش در معرض ریسک، ارزیابی الزامات کفایت سرمایه پایه برای پشتیبانی در مقابل ریسک‌های بازاری طبق مقررات در چهارچوب کمیته بازل[2] است. علاوه بر شاخص ارزش در معرض ریسک، یکی از شاخص‌ها به نام بازده سرمایه تعدیل شده به ریسک (RAROC)[3] است که از آن به‌عنوان معیاری برای تعیین میزان مخاطرات بانک استفاده می‌شود.

اهداف شاخص مذکور تعدیل میزان بازده تجاری از طریق پاداش ریسک سرمایه‌ای است و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌هایی که با مخاطرات بیشتری مواجه‌اند، برای مقابله با تهدیدهای احتمالی نیازمند سرمایه اقتصادی بیشتر نیز هستند. هر ریسکی که بانک با آن مواجه می‌شود باید در سیستم مدیریت ریسک و با در نظر گرفتن هزینه‌های تحمیل شده برای بانک شناسایی شود. پیچیدگی فعالیت‌های بانکی اغلب مانع از ارزیابی و کنترل صحیح ریسک‌ها می‌شود. با وجود این، حتی با وجود یک سیستم مدیریت ریسک قوی در بانک نیز نمی‌توان تضمین کرد که بانک با هیچ‌گونه ریسکی مواجه نخواهد شد و هیچ بانکی در برابر مخاطرات موجود ایمن نخواهد بود. هرچه سیستم مدیریت ریسک پیچیده‌تر باشد، ممکن است بانک در وضعیت بدتری قرار گیرد. عدم وجود بهره و متعاقباً ریسک نرخ

[1] Value at Risk
[2] Basel Capital Accords
[3] Risk-Adjusted Return on Capital

بهره به این معنا نیست که بانک‌های اسلامی با هیچ خطری مواجه نمی‌شوند. بانک‌های اسلامی نیز مانند بانک‌های متعارف دچار ریسک‌های نقدینگی، اعتبار، متقابل، اهرم‌های مالی، ریسک‌های تجاری و مالی می‌شوند. علاوه بر این، سایر ریسک‌های مرتبط را می‌توان در نظر گرفت که با توجه به تغییر اوضاع اقتصادی بر سرمایه‌گذارهایی که بخشی از پورتفولیوی بانک‌ها محسوب می‌شوند، تأثیر می‌گذارند و عموماً به‌صورت تغییرات در بازده و ارزش دارایی و بدهی‌ها مطرح می‌شوند.

بانک‌های اسلامی به‌جای مواجهه با ریسک نرخ بهره ثابت، با ریسک نرخ بازده مواجه‌اند که صورت سود و زیان درآمد را در معرض ریسک قرار می‌دهد و ماهیت آن مشابه ریسک نرخ بهره شناور در بانک‌های متعارف است. ریسک نرخ بازده به‌طور عمده با قراردادهای فروشی مانند مرابحه، سَلَم، استصناع و اجاره مرتبط است. اگر چه به‌طور معمول ریسک قراردادهای کوتاه‌مدت مرابحه بسیار کمتر در نظر گرفته می‌شود، اما هر چه مدت زمان قراردادها بیشتر می‌شود، میزان ریسک‌ها نیز افزایش می‌یابد. یکی از روش‌های کاهش مخاطرات، تعیین معیاری برای اجاره است. برای مثال، استفاده از معیارهایی مانند نرخ لایبور یا یک شاخص تورم که به شما کمک می‌کند تا میزان اجاره را براساس این شاخص‌ها تنظیم کنید.[۷] به‌منظور تعیین میزان مخاطرات پیش‌روی بانک‌های اسلامی باید ریسک‌های پیش‌روی بانک‌های متعارف نیز شناسایی شود و با دیگر ریسک‌هایی که به‌ویژه با بانک‌های اسلامی در ارتباط هستند، در نظر گرفت.

مقررات بازل

چهارچوب نسبت کفایت سرمایه بازل در حقیقت مقیاسی برای تعیین قدرت قرار گرفتن بانک در مقابل ریسک است. مقامات نظارت و تنظیم، نسبت کفایت سرمایه را به‌عنوان مقیاس مهمی برای تعیین سلامتی و امنیت برای نهادهای سپرده‌گذاری استفاده می‌کنند. چراکه آنان سرمایه را به عنوان سپری در مقابل زیان‌ها تلقی می‌کنند. (ریفات و همکاران: ۲۰۰۱)[۸] بیانیه کفایت سرمایه کمیته بازل، از آغاز اجرای آن در سال ۱۹۸۸، معیاری جهانی برای ارزیابی سلامت بانک‌ها شده است. علاوه بر هدف اصلی جلوگیری از کاهش سرمایه بانک‌ها، هدف دیگر آن است که زمینه فعالیت برای بانک‌های فعال بین‌المللی همسان شود. برای دستیابی به این اهداف، کمیته بازل چهارچوب ساده‌ای برای اندازه‌گیری طراحی‌کرده که به موجب آن تمام دارایی بانک‌ها را بسته به میزان ریسک اعتباری وام‌گیرنده به چهار دسته با وزن ریسک از صفر تا ۱۰۰ درصد طبقه‌بندی می‌کند. نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه درجه ۱ و سرمایه درجه ۲ به مجموعه

دارایی‌های موزون شده به ضریب ریسک برحسب درصد است. (منظور و یادی‌پور: ۱۳۸۷، ص. ۳)[۹] نسبت کفایت سرمایه در بازل ۱ و بازل ۲، حداقل ۸ درصد در نظر گرفته شده که در بازل ۱ فقط ریسک اعتباری و در بازل ۲ علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک بازاری و ریسک عملیاتی را مدنظر قرار داده بود. در بازل ۳ که به‌دنبال بحران مالی سال ۲۰۰۸ از جانب کمیته بازل به‌منظور محافظت بیشتر از بانک‌ها و حمایت سپرده‌گذاران انتشار یافت، حداقل نسبت کفایت سرمایه را با تعیین ۲.۵ درصد سطح سرمایه محافظتی که به سرمایه درجه ۱ اضافه می‌شود، به ۱.۵ درصد افزایش داد. علاوه بر این، ۳ درصد نیز به‌عنوان نسبت بدهی برای جلوگیری از مشکلات ایجادشده مربوط به وزن دهی ریسک دارایی‌ها در نظرگرفته که نسبت کفایت سرمایه را تا سطح ۱۳.۵ درصد افزایش می‌دهد. (محسنی: ۱۳۹۳، ص. ۱۹۰)[۱۰] به‌طور خلاصه، تحولات بیانیه بازل در زمینه کفایت سرمایه در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲: تحولات بیانیه بازل در زمینه الزامات کفایت سرمایه

بازل ۱	بازل ۲	بازل ۳
چهارچوب کفایت سرمایه	چهارچوب کفایت سرمایه	چهارچوب کفایت سرمایه
معرفی ریسک اعتباری	معرفی ریسک عملیاتی در کنار ریسک اعتباری و بازار	ارائه سطوح سرمایه و محافظهای سرمایه‌ای
معرفی اوزان ریسکی	فرایند نظارتی	پوشش بهتر ریسک
معرفی ریسک بازار در الحاقیه ۱۹۹۸	انضباط بازار و الزامات افشاگری	نسبت اهرمی
تعریف سرمایه	–	اصول کفایت سرمایه

هیئت خدمات مالی اسلامی

شاخص کفایت سرمایه، از نسبت‌های بین‌المللی سنجش سلامت بانکی است که معمولاً در چهارچوب استانداردهای کمیته بال مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال، به دلیل ویژگی‌های خاص بانک‌های اسلامی و تفاوت سطوح ریسک مورد پذیرش آن‌ها در مقایسه با بانک‌های متعارف، مؤسساتی در سطح بین‌المللی تشکیل شده و به تهیه استانداردهای نظارتی و احتیاطی خاص برای بانک‌های اسلامی (به‌ویژه در حوزه کفایت سرمایه) اقدام کرده‌اند. دو مورد از معروف‌ترین مؤسسات مذکور عبارت است از: سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) و هیئت خدمات مالی اسلامی

(IFSB). در این رابطه در مارس ۱۹۹۹، الگوی تعدیل شده کفایت سرمایه با هدف شمول ویژگی‌های بانکداری اسلامی مطرح و محاسبات آن براساس ریسک‌های مرتبط با عقود مختلف شرعی طراحی و ارائه شده است. در سال ۲۰۰۵ نیز هیئت خدمات مالی اسلامی تحت استاندارد شماره (۲)، محاسبات کفایت سرمایه برای مؤسسات مالی و اعتباری اسلامی را الزامی و حداقل آن را براساس ابزارهای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شریعت همچون مرابحه، سلف، استصناع، اجاره، مشارکت، مضاربه و غیره تعیین کرده است. این استاندارد دو هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱- معرفی ساختار و محتوای خدمات و تسهیلات مالی اسلامی که در استانداردهای متعارف کفایت سرمایه شناسایی و گنجانده نشده‌اند.

۲- استاندارد کردن روش‌های شناسایی و مقایسه ریسک‌های خدمات و تسهیلات مالی اسلامی و تعیین اوزان ریسک‌های مربوط در تطابق با استانداردهای جهانی. علاوه بر این، هیئت خدمات مالی اسلامی با توسعه دانش بانکداری اسلامی و در انطباق با تغییرات بین‌المللی حوزه نظارت و بانکداری، تاکنون طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ تغییراتی را در الزامات برآورد و اندازه‌گیری کفایت سرمایه در چهارچوب اسلامی اعمال و ارائه کرده است.[۱۱] به‌طور اصولی، ریسک‌های متداول طبقه‌بندی‌شده از سوی هیئت خدمات مالی اسلامی در شش دسته شناسایی شده و به‌شرح زیر تبیین می‌شود.[1]

ریسک اعتباری

به‌طور کلی، ریسک اعتباری عبارت است از: احتمال عدم ایفای تعهدات یکی از طرفین معامله با توجه به قرارداد مورد توافق. این تعریف قابل تسری به مؤسسات خدمات مالی اسلامی نیز هست که ریسک‌های تأمین مالی بدهی و اجاره‌ها را مدیریت‌کرده (برای مثال، مرابحه، مشارکت ناقص -که به تملیک حق شریک دیگر منتهی می‌شود- و اجاره) و به تأمین مالی سرمایه در گردش پروژه‌ها و داد و ستدها (برای نمونه، سَلَم، استصناع یا مضاربه) اقدام می‌کنند. فرضیه‌های زیر با اجرای صحیح مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات خدمات مالی اسلامی مرتبط است.

۱- ممکن است نقش این مؤسسات مشتمل بر تعامل با تأمین‌کنندگان مالی، عرضه‌کنندگان، مضارب و شرکای مشارکت باشد. این مؤسسات، ریسک عدم ایفای تعهدات توسط یکی از شرکا را در قبال مؤسسه از حیث عدم پرداخت‌های آتی، دادن یا گرفتن دارایی لحاظ می‌کنند. عدم ایفای تعهدات

[1] http://www.ifsb.org/standard/ifsb1

مربوط است به تأخیر یا عدم پرداخت یا عدم تسلیم دارایی موضوع قرارداد سَلَم یا استصناع موازی که احتمال زیان ناشی از درآمد یا حتی اصل سرمایه مؤسسات نیز بر آن مترتب است؛

۲- با توجه به ویژگی‌های اختصاصی هریک از ابزارهای تأمین مالی مانند ماهیت غیرلازم بودن برخی از عقود، مرحله ابتدایی شناسایی ریسک اعتباری از یک ابزار تا ابزاری دیگر متفاوت است. از این رو، ارزیابی ریسک اعتباری باید به شکلی مستقل برای هریک از ابزارهای تأمین مالی و به‌منظور تسهیل در کنترل‌های داخلی مناسب و سیستم‌های مدیریت ریسک صورت گیرد.

۳- مؤسسات، سایر انواع ریسک را که به ریسک اعتباری نیز منجر می‌شود، لحاظ می‌کنند. برای مثال، در طول زمان قرارداد مضاربه، ریسک ذاتی از ریسک بازار به ریسک اعتباری منتقل می‌شود. در مثال دیگری، اصل سرمایه آورده در قرارداد مضاربه یا مشارکت به دلیل اهمال‌کاری یا تصرف نادرست مضارب یا شریک به دین تبدیل می‌شود.

۴- در حالت نکول در برخی از نظام‌های حقوقی، دریافت هرگونه جریمه ممنوع شده است، مگر در موقعیتی که اهمال‌کاری در آن صورت گرفته و موجب افزایش احتمال نکول شده باشد. در بیشتر نظام‌ها، استفاده از مبلغ هر خسارتی برای سود مؤسسات ممنوع است، بلکه آن‌ها باید این خسارت را در سایر امور مناسب دیگر صرف کنند. همین امر، هزینه نکول را افزایش داده است.

ریسک سرمایه‌گذاری صاحبان سهام

ریسک سرمایه‌گذاری صاحبان سهام که در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد، ممکن است تعریفش به‌صورت کلی و به عنوان ریسک ناشی از ورود به شراکت به‌منظور تأمین مالی یا مشارکت در تأمین مالی مشخص یا فعالیت عام تجاری تعریف شود که در قرارداد تبیین‌شده و تأمین‌کننده مالی در ریسک کسب و کار مشارکت می‌کند. ویژگی‌های چنین سرمایه‌گذاری مشتمل بر کیفیت شریک، نوع فعالیت‌های کسب و کار و جوانب عملیاتی است. برحسب طبیعت، این نوع سرمایه‌گذاری در معرض ریسک‌های مرتبط با مضاربه یا شریک مشارکت، فعالیت کسب و کار و عملیات است. به‌منظور اندازه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری که از ابزارهای تسهیم سود مضاربه و مشارکت استفاده می‌کند، انواع ریسک شرکا (مضارب یا شریک مشارکت) به‌جهت بررسی موشکافانه به شکلی با اهمیت ملحوظ نظر قرار می‌گیرد. چنین بررسی موشکافانه‌ای به‌منظور ایفای مسئولیت‌های وکالتی مؤسسات خدمات مالی اسلامی به عنوان سرمایه‌گذار دارندگان حساب سرمایه‌گذاری بر مبنای تسهیم سود و تحمل زیان (مضاربه) یا بر مبنای تسهیم سود و زیان (مشارکت) ضروری می‌نماید. این

ریسک‌ها مشتمل بر سابقه قبلی گروه مدیریت، کیفیت برنامه کسب و کار و منابع انسانی درگیر فعالیت مضاربه یا مشارکت است.

ریسک بازار

مقصود از ریسک بازار، همان ریسک زیان در اقلام بالا و زیرخط ترازنامه است که ناشی از تغییرات قیمت بازار است. یعنی تغییرات در ارزش دارایی‌های قابل‌عرضه در بازار، معامله‌پذیر یا قابل‌اجاره (به‌مانند آنچه در صکوک وجود دارد) و پرتفوی‌های شخصی زیرخط ترازنامه. (برای نمونه حساب‌های سرمایه‌گذاری مقید) ریسک‌ها با تغییرات حال و آینده ارزش بازار دارایی‌های خاص (برای مثال، قیمت کالا در عقد سَلَم، ارزش بازار صکوک و ارزش بازار دارایی‌های مضاربه خریداری شده است که در دوره زمانی خاص توزیع می‌شود) و نرخ‌های معامله ارز مرتبط است. در عقد اجاره عملیاتی، ریسک بازاری که موجر با آن روبه‌رو می‌شود به موجب ارزش مورد انتظار دارایی اجاره‌شده در انتهای قرارداد است و هنگامی روی می‌دهد که مستأجر در طول قرارداد در آن اخلال کرده باشد. (اخلال در الزاماتش) در عقد اجاره به‌شرط تملیک، موجر در معرض ریسک بازار ناشی از ارزش دفتری دارایی اجاره‌شده (به عنوان وثیقه) قرار داشته و در وضعیتی است که مستأجر به الزاماتش بر مبنای قرارداد عمل نکند. در قرارداد سَلَم، مؤسسات خدمات مالی اسلامی در معرض تغییرات قیمت کالا از بدو ورود در قرارداد و در طول زمان نگهداری کالا تا اتمام فروش آن هستند. در عقد سَلَم موازی، همچنین ریسک عدم تسلیم کالای موضوع قرارداد نیز وجود دارد و از همین روست که مؤسسات در معرض ریسک قیمت کالا قرارداشته و در پی خرید دارایی مشابه در بازار نقدی برای پایبندی به قرارداد سَلَم موازی ایجاد شده است.

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی عبارت است از: احتمال قرار گرفتن مؤسسه خدمات مالی اسلامی در معرض زیان که از ناتوانایی در پاسخگویی به الزامات یا افزایش تأمین مالی وجوه در دارایی‌ها بدون متحمل‌شدن زیان یا هزینه‌های غیرقابل قبول ناشی می‌شود. مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید دارای یک ساختار مدیریت نقدینگی (در برگیرنده گزارشگری) بوده که به‌صورتی جداگانه و یا کلی موقعیت‌های در معرض ریسک نقدینگی در رابطه با هر طبقه‌ای از حساب‌های جاری و سرمایه‌گذاری غیرمقید را در نظر داشته باشد. مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید دارای نقدینگی کافی به‌منظور

ایفای الزاماتش در هر زمانی باشد. در این رابطه و با در نظرگرفتن ماهیت فعالیت‌های تجاری و محیط بازار سرمایه‌ای که مؤسسات در آن فعالیت می‌نمایند، باید دارای سیاست‌های مدیریت نقدینگی باشد که به‌صورت دوره‌ای مورد بازبینی قرار گرفته و موارد ذیل را در نظر داشته باشد:

۱- راهبرد مدیریت نقدینگی مشتمل بر نظارت اثربخش؛

۲- ساختاری برای وضع و تطبیق فرایندهای بی‌نقص جهت اندازه‌گیری و پایش نقدینگی؛

۳- وجود سیستم‌های کافی برای پایش و گزارشگری موقعیت‌های در معرض ریسک نقدینگی به‌صورت دوره‌ای؛

۴- ظرفیت کافی تأمین وجوه که به‌طور خاص به تمایل و توانایی سهامداران جهت تأمین سرمایه اضافی به هنگام ضرورت بستگی دارد؛

۵- دستیابی به نقدینگی از طریق فروش دارایی‌های ثابت و ترتیباتی همچون بیع و اجاره متقابل؛

۶- مدیریت بحران نقدینگی.

مضافاً اینکه مؤسسات خدمات مالی اسلامی علاوه بر اندازه‌گیری و پایش نقدینگی، ملتزم به پذیرش ریسک نقدینگی متناسب با توانایی‌شان در دستیابی به منابع وجوه منطبق با شریعت جهت کاهش چنین ریسک‌هایی است.

ریسک نرخ بازده

مؤسسات خدمات مالی اسلامی در معرض ریسک نرخ بازده در سیاق ریسک‌های کل ترازنامه است. افزایش در نرخ‌های شاخص در سایر بازارها ممکن است به انتظار نرخ بازده بالاتر دارندگان حساب سرمایه‌گذاری منجر شود. ریسک نرخ بازده، متفاوت است از ریسک نرخ بهره در مؤسساتی که به‌دنبال نتیجه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود در پایان دوره سرمایه‌گذاری هستند که البته پیش شناسایی چنین نتایجی به‌طور دقیق امکان‌پذیر نیست. پیامد ریسک نرخ بازده ممکن است ریسک تجاری جایگزین باشد. مؤسسات خدمات مالی اسلامی ممکن است تحت فشار بازار به پرداخت بازدهی بیش از درآمد دارایی‌هایی مجبور باشند که توسط دارندگان حساب سرمایه‌گذاری تأمین شده است. این امر در موقعیتی است که بازده دارایی‌ها در مقایسه با رقبا کمتر است. ممکن است، این مؤسسات از حقوقشان در کل یا بخشی از سهم سود مضاربه تنزل کنند که این امر به‌منظور جلب رضایت و حفظ تأمین‌کنندگان وجوه و بازداری ایشان از برداشت وجوه است. ریسک تجاری جایگزین، ناشی از فشارهای رقابتی بر روی مؤسسات به‌منظور جذب و نگهداری سرمایه‌گذاران (تأمین‌کنندگان

وجوه) است. تصمیم‌گیری درخصوص تنزل حقوق مؤسسات از کل یا بخشی از سهم سود مضاربه به نفع دارندگان حساب سرمایه‌گذاری به‌عنوان تصمیمی تجاری تلقی می‌شود که باید بر مبنای سیاست‌ها و روش‌های اجرایی شفاف و مبینی باشد که به تأیید هیئت‌مدیره رسیده است. ذخیره احتیاطی سود عبارت است از: مبلغ تخصیصی مؤسسات خدمات مالی اسلامی از درآمد ناخالص که پیش از توزیع سهم مضارب جهت حفظ سطح خاصی از بازده سرمایه‌گذاری برای دارندگان حساب سرمایه‌گذاری و افزایش حقوق صاحبان سهام صورت می‌گیرد. مبنای محاسبه این حساب باید پیش‌تر شناسایی‌شده و با شروط قراردادِ مورد توافق با دارندگان حساب سرمایه‌گذاری، تطبیق داده شده و توسط هیئت‌مدیره مؤسسات مورد بررسی و تأیید رسمی قرار گرفته باشد. در برخی کشورها، مقام نظارتی، الزامات مربوط به نگهداری ذخیره احتیاطی را مشخص می‌کند.

ریسک عملیاتی

مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید مجموعه کاملی از ریسک‌های عملیاتی با اهمیت را که بر عملیاتشان تأثیرگذار است، مورد توجه قرار دهند. این ریسک‌ها مشتمل بر ریسک زیان ناشی از شکست داخلی فرایندها یا ناکافی‌بودن آن‌ها، اشخاص و سیستم‌ها یا رویدادهای خارجی است. در این میان، همچنین لازم است مؤسسات به علل احتمالی زیان ناشی از عدم تطبیق با شریعت و شکست در مسئولیت‌های وکالتی‌شان توجه کنند. مؤسسات خدمات مالی اسلامی، در معرض ریسک‌های مرتبط با عدم تطبیق با شریعت و مسئولیت وکالت در قبال تأمین‌کنندگان مختلف وجوه است. این ریسک‌ها مؤسسات را در معرض برداشت‌های تأمین‌کنندگان وجوه، فسخ قراردادها یا فقدان درآمد قرار می‌دهد که خود به کاهش شهرت یا محدودیت فرصت‌های کسب و کار منجر می‌شود. ریسک عدم تطبیق شریعت عبارت است از: ریسکی که از شکست تطبیق با اصول و مقررات شرعی حاصل شده باشد که توسط هیئت شرعی مؤسسات خدمات مالی اسلامی یا ساختار مرتبط در نظام قانونی تعیین می‌شود که مؤسسات در آن فعالیت می‌کنند. وجه تطبیق شرعی، امری اساسی در عملیات مؤسسات خدمات مالی اسلامی به شمار می‌رود که الزامات چنین تطبیقی دربرگیرنده سازمان، محصولات و فعالیت‌هاست. از آنجایی که اغلب تأمین‌کنندگان وجوه به خدمات بانکی منطبق با شریعت به عنوان موضوعی بنیادی توجه دارند، درک آن‌ها از تطبیق مؤسسات با اصول و مقررات شرعی اهمیت ویژه‌ای در استمرار ارتباط این اشخاص با مؤسسات ایفا می‌کند. در این رابطه، عدم تطبیق شرعی به عنوان یک عامل شکست و با اولویت بالاتری در ارتباط با سایر ریسک‌های

شناسایی‌شده در نظر گرفته می‌شود. چنانچه اگر مؤسسات با مقررات و اصول شریعت تطبیق پیدا نکنند، تراکنش‌های آن‌ها لغو شده و درآمدشان نیز نامشروع تلقی می‌شود. ریسک وکالت عبارت است از: ریسک ناشی از ناتوانی مؤسسات خدمات مالی اسلامی در تطبیق صریح و ضمنی با استانداردها با توجه به مسئولیت وکالت. به‌عنوان نتیجه زیان‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات ممکن است از پرداخت دیون ناتوان‌شده و نتوانند:

الف- به تقاضای بازپرداخت وجوه دارندگان حساب سرمایه‌گذاری پاسخ دهند.

ب- منافع دارندگان حساب سرمایه‌گذاری را تأمین کنند. ممکن است مؤسسات به هنگام مدیریت سرمایه‌گذاری دچار شکست شده و همین امر موجب بروز ریسکی شود که دارندگان حساب سرمایه‌گذاری را از سود محروم می‌کند.[۱۲]

استانداردهای کفایت سرمایه در هیئت خدمات مالی اسلامی

تعریف سرمایه

براساس طبقه‌بندی هیئت خدمات مالی اسلامی، سرمایه متشکل از سرمایه نوع یک و سرمایه نوع دو است. براساس این تعریف، سرمایه از عناصر زیر تشکیل شده است:[۱۳]

۱- **سرمایه پایه[1] یا سرمایه نوع یک:** سرمایه پایه یا حقوق صاحبان سهام شامل: سرمایه ناشی از حقوق صاحبان سهام، ذخایر یا اندوخته‌های اعلام شده، سود انباشته، خالص درآمدهای تحقق نیافته ناشی از تجدید ارزیابی سهام و حقوق سهامداران اقلیت است. سرمایه پایه متشکل از کلیه سهام عادی منتشرشده و کاملاً پرداخت شده است. سرمایه پایه باید حداقل ۵۰ درصد کل سرمایه بانک را شامل شود. سهم سهامداران از ذخیره هموارسازی سود به لحاظ فنی جزء سود تجمعی محسوب شده و به‌عنوان سرمایه سطح یک شناخته می‌شود.

۲- **سرمایه تکمیلی[2] یا سرمایه نوع دو:** این بخش از سرمایه شامل دیگر عناصری است که از نظر قانونی جزء سرمایه محسوب می‌شوند:

الف- سودهای انباشتی طی دوره جاری؛

[1] Core Capital
[2] Supplementary Capital

ب- ارزش‌گذاری ذخایر طی ارزیابی مجدد دارایی‌های ثابت و املاک، متناسب با تغییرات در ارزش بازار. ارزش‌گذاری ذخایر باید محدود به ۵۵ درصد کاهش در مقایسه با ارزش دفتری باشد تا بدین‌وسیله نوسانات بازار و هزینه‌های مالیاتی بر سود حاصله مد نظر قرار گیرند؛

پ- درآمدهای تحقق‌نیافته ناشی از ارزش‌گذاری متعارف اوراق بهادار که در معرض عامل تخفیف ۵۵ درصدی است.

۳- کسورات از سرمایه[1]: این بخش شامل سرقفلی، خالص زیان‌های انباشتی طی دوره، زیان‌های تحقق‌نیافته ناخالص ناشی از ارزیابی‌های اوراق بهادار قابل‌واگذاری و مالکیت متقابل در سرمایه دیگر بانک‌هاست.

کاهش ریسک اعتباری[2]

ریسک اعتباری در هر نوع معامله‌ای وجود دارد و با استفاده از برخی تکنیک‌ها می‌توان این نوع ریسک را کاهش داد. برخی از تکنیک‌های مورد استفاده برای این موضوع به‌شرح زیر است:

- **سپرده تضمینی[3]:** عبارت است از سپرده قابل بازپرداخت تضمینی که قبل از انعقاد قرارداد از سوی بانک دریافت می‌شود. در صورتی که مشتری تصمیم بگیرد مفاد قرارداد را اجرا نکند، این سپرده هرگونه هزینه‌های احتمالی تحمیل‌شده بر بانک را پوشش خواهد داد. البته سپرده تضمینی محدودبوده و هزینه بیشتر از میزان ودیعه را نمی‌توان با آن پوشش داد.
- **سپرده:** سپرده مالی که در مدت زمان قرارداد نزد بانک نگهداری می‌شود و در صورتی که مشتری به هر طریقی بخش‌هایی از قرارداد را نقض کند، مالکیت آن به سرمایه‌گذار منتقل می‌شود.
- **ضمانت شخص ثالث:** تضمین‌هایی که از شخص ثالث برای پوشش‌دادن به هرگونه ادعایی در صورت قصور اخذ می‌شود. البته، این ضمانت‌ها می‌توانند از نظر زمانی و مقداری محدود باشند.
- **وثیقه:** دارایی‌هایی که به‌عنوان وثیقه معرفی می‌شوند، باید مطابق با اصول شریعت مالکیت کامل و نیز ارزش بازاری داشته باشد.
- **دارایی‌های اجاره‌ای[4]:** هرگونه دارایی اجاره‌ای که به مالکیت بانک درمی‌آید و می‌توان از آن برای کاهش ریسک مالی استفاده کرد.

---

[1] Deductions From Capital
[2] Credit Risk Mitigation
[3] Security Ddeposit
[4] Leased Assets

به‌طور کلی، وثیقه مخاطرات بانک را کاهش داده و متعاقباً به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. البته همه دارایی‌ها برای تأمین الزامات کفایت سرمایه برای وثیقه‌گذاشتن در بانک واجد شرایط نیستند. هر بخش غیرتضمینی قرارداد، وزن ریسک طرف مقابل را جذب می‌کند و می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. با توجه به موارد زیر، بانک می‌تواند مخاطرات سرمایه‌گذاری را کاهش‌داده و اعطای وام را تسهیل کند.

- **رویکرد ساده:** در رویکرد ساده، بانک می‌تواند با استفاده از وثیقه، مخاطرات سرمایه‌گذاری را به حداقل یعنی ۲۰ درصد برساند. در صورتی که وثیقه به‌صورت نقد و در وجه رایج آن کشور باشد یا به شکل تضمین‌های دولتیِ قابل‌قبول باشد، میزان ریسک بانک به صفر درصد می‌رسد و در صورتی که ارزش بازاری تنزیل شود، میزان وزن ریسک بانک ۲۰ درصد خواهد بود.
- **رویکرد اصلاحی:** هر دو شرایط، یعنی هم مقدار در معرض خطر اولیه و هم وثایق، ممکن است مورد اصلاحات قرار گیرد و شرایط آن‌ها توسط ناظر یا به‌صورت داخلی مشخص و محاسبه شود.

ریسک بازار

ریسک بازار عبارت است از: ریسکی که در آن وضعیت مالی بانک براساس وضعیت ترازنامه (اعم از اقلام داخل یا زیرخط ترازنامه) به خطر بیفتد. در دستورالعمل‌های کفایت سرمایه، هیئت خدمات مالی اسلامی سه نوع ریسک بازار را به‌شرح زیر شناسایی می‌کند:

- **ریسک قیمت سهام:** سهام می‌تواند هم در معرض ریسک‌های مربوط به بانک باشد و هم در معرض ریسک‌های ایجادی بازار قرار گیرد. ریسک مختص بانک براساس قیمت سهام در بازار میزان ۸ درصد سرمایه را برای همه اقلام مرتبط با سهام جذب می‌کند. برای نقدینگی‌های بالا و سبد دارایی‌های متنوع‌تر این میزان ممکن است به ۴ درصد کاهش یابد. هزینه تأمین سرمایه برای ریسک کلی بازار در حدود ۸ درصد برای کل ارزش سهام است.
- **ریسک نرخ ارز:** این ریسک عبارت است از: کاهش یا از بین‌رفتن ارزش یک دارایی به خاطر نوسانات نرخ‌های مبادله میان واحد پول مورد محاسبه دارایی و پول پایه بانکی. هزینه تأمین سرمایه در سطح ارزش خالص برابر با ۸ درصد است.
- **ریسک کالا و انبارداری:** این ریسک مربوط به نگهداری طولانی‌مدت کالا در انبار و موضع معاملاتی خرید کالاهاست.

ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی به‌عنوان زیان ناشی از فرایندهای داخلی مرتبط با عملکرد افراد، سیستم‌ها یا رویدادهای خارجی نامناسب تعریف می‌شود. مطابق با راهکارهای کفایت سرمایه هیئت خدمات مالی اسلامی، این ریسک نه تنها شامل ریسک قانونی می‌شود، بلکه شامل ریسک عدم تطابق با اصول شریعت نیز می‌شود. در راستای استانداردها و مقررات بازل ۲، ریسک عملیاتی شامل ریسک استراتژیک و شهرت نمی‌شود. دستورالعمل‌های هیئت خدمات مالی اسلامی از طریق هر دو رویکرد مؤلفه‌های شاخص پایه و همچنین رویکرد استانداردشده، همانند آنچه در بازل ۲ آمده است، سازگاری دارد. بر اساس رویکرد شاخص پایه، هزینه نگهداری سرمایه عبارت است از: ۱۵ درصد متوسط درآمد ناخالص سالیانه طی ۳ سال گذشته. مطابق با رویکرد استاندارد، این درصد بسته به نوع کسب و کار از ۱۲ تا ۱۸ درصد متغیر است. اگر چه، روش‌های تشریح‌شده در قوانین کفایت سرمایه در بازل ۲ ممکن است به‌طور مستقیم برای بانک‌های اسلامی قابلیت اجرایی نداشته باشد، با وجود این، پیشنهاد خبرگان و صاحب‌نظران بر این است که از روش شاخص پایه استفاده شود.

کفایت سرمایه معاملات متفاوت

برای هر یک از انواع مختلف معاملات، روش محاسباتی کفایت سرمایه توسط هیئت خدمات مالی اسلامی تبیین شده که به‌عنوان یک روش استاندارد محسوب می‌شود. برای این منظور، به‌طور خلاصه اهم آن‌ها به‌شرح زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- **سَلَم:** وزن ریسک در معامله سَلَم براساس رتبه‌بندی ضامن یا طرف معامله مشخص می‌شود. در صورتی که ضامن معامله سَلَم اعتبارسنجی نشود، دارای وزن ریسک به میزان ۱۰۰ درصد خواهد بود. ریسک بازار کالا به‌صورت جداگانه و با استفاده از روش نردبانی سررسید اندازه‌گیری می‌شود، به‌طوری که در آن هزینه سرمایه در محاسبات به سررسید معامله بستگی دارد یا این‌که می‌توان با استفاده از روش ساده ارزیابی کرد. در این روش، هزینه سرمایه معادل ۱۵ درصد ارزش خالص به اضافه ۳ درصد مربوط به مقدار ناخالص موضع معاملاتی خرید و فروش است. اگر برای پوشش هر نوع زیان احتمالی به‌طور هم‌زمان یک معامله سَلَم انجام شود، صرفاً ۳ درصد از هزینه‌ها برای پوشش خسارات احتمالی ناشی از عدم تحویل کالا در موعد مقرر استفاده می‌شود.
- **استصناع:** میزان ریسک معامله استصناع به خصوصیات آن معامله بستگی دارد. در هر یک از موارد زیر میزان ریسک براساس رتبه‌بندی یا نوع خریدار نهایی محاسبه می‌شود.

الف- استصناع کاملاً بازگشت‌پذیر و استصناع موازی: در این مورد، بانک اختیار بازگشت قرارداد به خریدار دارایی را دارد. اگر رتبه‌بندی وجود نداشته باشد، این معامله وزن ریسک به میزان ۱۰۰ درصد خواهد داشت.

ب- استصناع محدود و غیربازگشتی: در این مورد، بانک حق رجوع محدودی داشته یا هیچ اختیاری در بازگشت قرارداد به خریدار نهایی را ندارد. اگر رتبه‌بندی انجام نشود، میزان وزن ریسک براساس رویکردهای ابلاغی مراجع نظارتی برای تأمین منابع مالی خواهد بود. ممکن است لازم باشد یک ریسک اضافی ۲۰ درصدی برای پوشش دادن به ریسک قیمتی که معامله در آن انجام شده است، در نظر گرفته شود.

- **اجاره:** براساس قراردادهای اجاره به‌شرط تملیک یا اجاره مالی، میزان وزن ریسک معامله به اعتبار مستأجر بستگی دارد. چرا که میزان ریسک ارزش باقی مانده دارایی اصلی مورد معامله توسط بانک برآورد نمی‌شود. در معامله اجاره عملیاتی، بانک دچار ریسک اعتباری مستأجر برای پرداخت مبلغ اجاره و همچنین ریسک بازار برای ارزش باقی‌مانده موضوع مورد اجاره خواهد بود.
- **مشارکت:** میزان ضریب وزنی ریسک معاملات مشارکتی به هدف این معامله بستگی دارد.
- **شرکت‌های بازرگانی خصوصی با دارایی‌های مشخص:** در این معامله‌ها، سرمایه‌گذار در وهله اول با ریسک دارایی روبه‌روست. در صورت قصور آن‌ها، بانک می‌تواند با فروش دارایی مرتبط طلب خود را وصول کند. اگر درآمد حاصل از فروش دارایی کمتر از میزان وام باشد، دارنده صکوک در معرض ریسک به میزان مقدار ارزش باقی مانده است و میزان ضریب وزنی ریسک این معامله به ریسک بازار دارایی مورد نظر در معامله بستگی دارد.
- **شرکت‌های تجاری خصوصی متعهد به انجام دادن کسب و کار مخاطره‌آمیز:** اصولاً در این نوع معاملات، دارایی مشخصی وجود ندارد. میزان ریسک این معاملات به ارزش میزان سهام در سرمایه اصلی بستگی دارد و از آنجایی که این معاملات همانند سرمایه‌گذاری در سهام است، لذا دارای وزن ریسک به میزان ۴۰۰ درصد خواهد بود.
- **مالکیت مشترک املاک و مستغلات یا اموال منقول:** ساختار این معاملات همانند مشارکت کاهشی است. در این نوع معامله، مدت زمان قرارداد مشخص است و نوع دارایی مشخص نیز مانند املاک و مستغلات یا اتومبیل وجود دارد. در این نوع معاملات، سرمایه‌گذار در وهله اول در معرض ریسک دارایی قرار دارد. در صورت قصور طرف قرارداد، بانک از محل فروش دارایی بدهی خود را جبران می‌کند. اگر عواید فروش کمتر از مقدار سرمایه اصلی بانک باشد، در این

صورت بانک در معرض ریسک مقدار ارزش باقی‌مانده مربوط به طرف مقابل قرار دارد. میزان وزنی ریسک این معامله به رتبه‌بندی طرف معامله بستگی دارد و در معامله‌هایی که طرف معامله رتبه‌بندی نشده باشد، ضریب وزنی ریسک به میزان ۱۰۰ درصد خواهد بود.

- **مضاربه:** در این نوع معامله، میزان ضریب وزنی ریسک معامله براساس مقدار ارزش سرمایه مشارکت‌کننده در قرارداد بستگی دارد و از آنجایی که این نوع معاملات همانند معاملات سرمایه‌گذاری در سهام محسوب می‌شوند، لذا دارای ضریب وزنی ریسک به میزان ۴۰۰ درصد خواهد بود.

در هنگام مشخص‌کردن میزان ضریب وزنی ریسک در هر یک از معاملات بالا، میزان کاهش ریسک نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

کفایت سرمایه اوراق صکوک

کاربرد گسترده اوراق صکوک در تأمین مالی باعث شده، توجه خاصی در رعایت الزامات کفایت سرمایه برای این اوراق شود. در اوراق صکوک می‌توان از دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه استفاده کرد (صکوک با پشتوانه دارایی) و همچنین می‌توان از دارایی به‌عنوان وثیقه استفاده نکرد. (صکوک مبتنی بر دارایی) تأثیر مقررات کفایت سرمایه بانکی بازل ۲ و استانداردهای کفایت سرمایه هیئت خدمات مالی اسلامی در ارتباط با صکوک بستگی به این دارد که آیا این معامله صکوک با پشتوانه دارایی است یا صکوک مبتنی بر دارایی محور است و این‌که نهاد قانون‌گذار چگونه از این ابزار استفاده می‌کند. این امر در حوزه‌هایی که تابع استانداردهای صکوک با پشتوانه دارایی هستند و حوزه‌هایی که به این استانداردها توجه نمی‌کنند، متفاوت خواهد بود.

استانداردهای کفایت سرمایه فقط در صورتی کاربرد دارد که اوراق صکوک توسط مؤسسات مالی خریداری شده باشد و در صورتی که صکوک توسط بانک عرضه شود، این استانداردها استفاده نمی‌شوند. اوراق بهادارسازی دارایی‌های در معرض ریسک در یک طرح پیشنهادی جداگانه ارائه می‌شود.[۱۴] طرح پیشنهادی جدید که هیئت خدمات مالی اسلامی ارائه می‌دهد، صکوک مبتنی بر دارایی را پوشش می‌دهد که میزان وزن ریسک متعهد را در مقابل هرگونه افزایش اعتبار به‌همراه دارد. به‌طور خلاصه، صکوک به روش‌های زیر استفاده می‌شود.

استفاده از اوراق صکوک به منزله سرمایه‌گذاری

استفاده از صکوک به‌منظور بهره‌برداری در کفایت سرمایه به نوع معامله و رتبه‌بندی طرف معامله بستگی دارد.

- **صکوک سَلَم:** تا زمان فروش و تحویل دارایی، میزان وزن ریسک اوراق صکوک سَلَم به رتبه‌بندی طرف معامله یا ضامن بستگی دارد. در معامله‌ای که طرف معامله آن رتبه‌بندی نشده باشد، میزان وزن ریسک ۱۰۰ درصد خواهد بود. با افزودن یک قرارداد سَلَم موازی که مطابق با اصول شریعت نیز هست، ریسک بازار نادیده گرفته می‌شود.
- **صکوک استصناع:** میزان ضریب وزنی ریسک معامله به رتبه طرف معامله بستگی دارد. در معامله‌ای که طرف معامله آن رتبه‌بندی نشده باشد، وزن ریسک معادل ۱۰۰ درصد است و علاوه بر آن، میزان ضریب وزن ریسک اضافی به میزان ۲۰ درصد برای پوشش ریسک قیمتی که معامله در آن انجام‌شده نیز بدان افزوده می‌شود.
- **صکوک اجاره:** از آنجایی که در قالب اوراق صکوک اجاره، میزان ضریب وزنی ریسک این معامله براساس ارزش‌گذاری مستأجر تعیین می‌شود، میزان ارزش ریسک باقی‌مانده دارایی مورد نظر توسط دارندگان صکوک متحمل نخواهد شد.
- **صکوک مشارکت:** میزان ضریب وزنی ریسک معامله صکوک مشارکت به قصد و نیت انجام دادن این معامله بستگی دارد.
- **شرکت‌های بازرگانی خصوصی با دارایی‌های مشخص:** در این معامله‌ها، سرمایه‌گذار در وهله اول با ریسک دارایی روبه‌روست. در صورت قصور آن‌ها، دارنده اوراق صکوک با فروش دارایی، طلب خود را تصفیه می‌کند؛ اما اگر درآمد حاصل از فروش دارایی کمتر از میزان سرمایه باشد، دارنده صکوک در معرض ریسک معادل ارزش مقادیر باقی‌مانده است و میزان ضریب وزنی ریسک این معامله بر ریسک بازار دارایی مورد نظر در معامله بستگی دارد.

استفاده از صکوک در قوانین تجاری

اوراق صکوک در دفاتر تجاری، مشابه با اوراق قرضه است و علاوه بر ریسک‌های مختص به خود با ریسک‌های عمومی بازار نیز مواجه است. وزن ریسک ویژه اوراق صکوک به‌طرف قرارداد و زمان باقی‌مانده تا سررسید معامله بستگی دارد. ریسک معمولی بازار نیز به زمان باقی مانده تا سررسید معامله و تاریخ آتی قیمت‌گذاری مجدد بستگی دارد و میزان این ریسک متغیر بوده و در صورتی که

زمان باقی‌مانده تا سررسید معامله کمتر از یک ماه باشد، صفر درصد و در صورتی که این زمان باقی مانده بیش از ۲۰ سال باشد تا ۶ درصد می‌رسد.

انتشار اوراق صکوک

صکوک منتشره توسط بانک مطابق با الزامات و فرایندهای اوراق بهادار است. اگر مالکیت دارایی مورد نظر به صاحب آن منتقل شود، بانک در صورتی که شرایط مربوط به انتقال ریسک و کنترل دارایی را داشته باشد می‌تواند از کاهش حداقل‌های الزامی مقدار سرمایه سود ببرد. در صورتی که مؤسسه مالی اوراق را تضمین کند یا بخشی از اوراق صکوک منتشره را نگهداری کند یا نقدینگی تأمین کند یا اعتبار را افزایش دهد، آزاد کردن بخشی از سرمایه مؤسسه مالی به روش‌های زیر امکان‌پذیر است:

- اگر منتشرکننده اوراق صکوک، تضمینی ارائه دهد باید سرمایه لازم را برای موارد در معرض ریسک و مرتبط با شرایط بهادارسازی اوراق نگهداری کند.
- اگر منتشرکننده اوراق صکوک، بخشی از انتشار را نزد خود نگه دارد، لازم است که هزینه هرگونه کسر میزان سرمایه را بپردازد.
- تسهیلات نقدشونده برای سررسید کمتر از یک‌سال، ریسکی معادل ۲۰ درصد و برای سررسیدهای بیشتر از ۱ سال، ریسکی معادل ۵۰ درصد دارند. با صلاحدید نهاد ناظر می‌توان با کمک تسهیلات نقدی پیش‌پرداخت ریسک این قرارداد را به صفر درصد رساند.
- اگر ناشر اوراق صکوک بخش کمی از سهام دارایی‌های واجدالشرایط را در اختیار داشته باشد، سهم باقی‌مانده سهام به‌عنوان کسر از سرمایه در نظر گرفته می‌شود.

پیشرفت‌های مورد انتظار کفایت سرمایه

هیئت خدمات مالی اسلامی در گذشته با کمیته نظارت بانکی بازل همکاری نزدیکی داشت و در آینده نیز این فعالیت‌ها به‌منظور بهبود جنبه‌های قانون‌گذاری بانک‌های اسلامی ادامه خواهد داشت. با وجود این، انتظار نمی‌رود که در مقررات کمیته بازل در رابطه با معاملاتی از قبیل مشارکت و مضاربه تغییراتی ایجاد شود. ساختار معاملات مشارکت و مضاربه به‌گونه‌ای است که سرمایه هنگفت نیاز دارد و بنابراین از منظر بانک‌ها بسیار هزینه‌بَر هستند. از این‌رو، بانک‌های اسلامی هنگام ارائه خدمات مشاوره به مشتریان و انجام‌دادن معاملات جدید باید هزینه سرمایه را نیز مد نظر قرار دهند. اما، مسئله

اساسی‌که بانک‌ها در ارائه خدمات به مشتریان باید مورد توجه قرار دهند، این است که آیا منافع مشتریان در استفاده از قراردادهایی غیر از قرارداد مشارکت و مضاربه به‌طور مساوی تأمین می‌شود یا خیر.

حقیقت این است که در معاملات مشارکت و مضاربه، طرفین قرارداد در دارایی مورد نظر سهم دارند که می‌تواند به‌طور بالقوه در معرض ریسک قرار گیرد. در صورت آسیب‌دیدن سهم، مالک حق هیچ‌گونه ادعایی ندارد. با توجه به موارد مذکور، می‌توان ادعا کرد که در معاملاتی مانند مشارکت و مضاربه و صکوک مبتنی بر این نوع دارایی، هزینه‌های مازاد سرمایه به مشتری تحمیل خواهد شد و لذا این نوع معاملات به ضرر مشتریان تمام می‌شود. از سوی دیگر، جریان فرایند صکوک عموماً مشابه با اوراق قرضه متعارف است. چرا که بانک‌های اسلامی اوراق صکوک نگهداری می‌کنند و حسب نوع قرارداد و نسبت به دارندگان اوراق قرضه مزایا و معایبی ندارند. اگر نوع معامله مشارکت یا مضاربه باشد، فرایند انجام دادن معامله به‌طور یکسان خواهد بود و این امر هزینه سرمایه‌ای بیشتری را تحمیل خواهد کرد.

برخلاف اوراق قرضه متعارف، دارنده صکوک دارایی محور مالک دارایی قرارداد تلقی می‌شود و دارایی مزبور به‌عنوان وثیقه عمل می‌کند؛ و چون در اکثر حوزه‌های قضایی، قانونی برای چگونگی استفاده از این دارایی‌ها وجود ندارد، بنابراین دارنده صکوک با متعهد مواجه است، نه دارایی. در این حالت، صکوک مبتنی بر دارایی همانند اوراق قرضه عمل می‌کند، به‌طوری که سرمایه‌گذار حق رجوع مستقیم به متعهد را دارد. در نتیجه، در اکثر قلمروهای قضایی بین‌المللی سطح مراجعه دارندگان اوراق قرضه متعارف و دارندگان صکوک به‌طور یکسان دیده می‌شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که تبیین شد، در این مقاله ابتدا مرور کلی بر مبانی نظری و ادبیات پژوهش مشتمل بر اهمیت سیستم صنعت بانکداری اسلامی و رشد بالقوه آن صورت پذیرفته، در ادامه مفاهیم قراردادهای مختلف مالی اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس انواع ریسک‌های پیش‌روی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی و بانکداری متعارف، مقررات بازل، هیئت خدمات مالی اسلامی، اصول مدیریت ریسک برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی و مقررات کفایت سرمایه برای نهادهای مالی اسلامی در دنیای مالی تبیین شد که تحت سلطه استانداردهای بازل است. مرور مبانی و ادبیات تحقیق بیان‌کننده آن است که مفهوم ریسک در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی با مفهوم ریسک در بانک‌های متعارف متفاوت است. ریسک‌های طبقه‌بندی شده شش‌گانه

در راهنمای اصول مدیریت ریسک هیئت خدمات مالی اسلامی شرایط ایمن‌تری را نسبت به مقررات بازل برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی مهیا کرده است و این موضوع اهمیت مدیریت ریسک را برای رشد کل صنعت بانکداری اسلامی به‌خوبی نمایان می‌سازد. بنابراین، نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید از چهارچوب و فرایند مدیریت ریسک جامع برای شناسایی، ارزیابی، کنترل و کاهش ریسک برخوردار باشند. همچنین، دارای استراتژی‌های مشخص برای تأمین مالی و استفاده از ابزارهای لازم مبتنی بر اصول شریعت بوده تا به موجب آن بتوانند ریسک‌های بالقوه را که ممکن است در مراحل مختلف قراردادهای سرمایه‌گذاری روی دهد، شناسایی کرده و کنترل کنند.

برخی محققان پیشین استدلال می‌کنند که بازل ۲ عمدتاً مرتبط با بانک‌های متعارف است و کاربرد محدودی برای بانکداری اسلامی دارد؛ اما مطالعه استانداردها و دستورالعمل‌های مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در حوزه مدیریت ریسک نشان می‌دهد، علاوه بر این‌که مقررات مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی استانداردهای بازل را پوشش می‌دهد، ضمناً به‌طور ویژه تفاوت‌های قراردادهای مبتنی بر شریعت را در فرایند مدیریت ریسک مورد تأکید قرار می‌دهد که از آن میان می‌توان به تأکید بر الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک بازار در حوزه تخصیص منابع، علاوه بر ریسک اعتباری و نیز مدیریت ریسک در قراردادهای مشارکتی و مراحل مختلف آن اشاره کرد. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که رشد پایدار بانکداری اسلامی عمدتاً وابسته به ایجاد و توسعه ساختار مناسب مدیریت ریسک در چهارچوب مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی است و از این حیث بانکداری اسلامی زمانی می‌تواند پناهگاه ایمنی باشد که اصول جامع آن در سطح کلان به‌طور کامل توسط تمامی دست‌اندرکاران رعایت شود.

به بیان دیگر، هنگامی که مقوله‌های مدیریت ریسک و رشد پایدار بانکداری اسلامی کنار یکدیگر قرار گرفته و بهینه‌سازی شود، دورنمای صنعت بانکداری اسلامی پویاتر و درخشان‌تر خواهد بود. بنابراین، آنچه به‌طور ذاتی و سیستمی برای بانکداری اسلامی مهم است، اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر شریعت و مطابقت کامل آن با اصول شریعت است. تجربه نشان می‌دهد که هرگونه مغایرت با اصول مبتنی بر شریعت، مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی را در معرض طیف وسیعی از مخاطرات قرار خواهد داد. بنابراین، انتظار می‌رود که با اتخاذ رویکردهای منطبق با اصول شریعت بتوان از مخاطرات غیرضروری بانک‌های اسلامی جلوگیری به‌عمل آورد.

در نهایت، با توجه به الزامات سرمایه‌ای و دستورالعمل‌های نظارتی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، انتظار بر آن است که در صورت اجرای این الزامات، نهادها و مؤسسات ارائه‌دهنده

خدمات مالی اسلامی در موقعیت با ثبات‌تری از حیث ریسک‌های مترتب بر عملیات آن‌ها قرار داشته باشند. چراکه اولاً، سرمایه کافی برای مواجهه با مخاطرات در نظر گرفته شده است. ثانیاً، با توجه به این‌که کلیه ریسک‌ها اعم از ریسک‌های اعتباری، سرمایه‌گذاری صاحبان سهام، عملیاتی، بازار، نقدینگی و ریسک نرخ بازده مورد توجه و تأکید است، انتظار می‌رود فعالیت‌های کم‌مخاطره‌تری از سوی آن‌ها انتخاب شود. همچنین، با توجه به دستاوردهای نظری و عملی دستورالعمل هیئت خدمات مالی اسلامی درخصوص الزامات نسبت کفایت سرمایه در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، پیشنهاد می‌شود، الزامات مربوط به محاسبات نسبت کفایت سرمایه و سرمایه نظارتی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظر شورای محترم فقهی بانک مرکزی ج.ا.ا. بازنگری شود. چرا که دستورالعمل حاضر بیشتر به استانداردهای بازل نزدیک است و بخشی از اصول و ملاحظات مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در آن لحاظ نشده و این موضوع به‌طور مشخص در نحوه موزون به ریسک‌کردن دارایی‌های بانک قابل‌ملاحظه است.

منابع و مآخذ

[1] Wael Kamal Eid; Mehmet Asutay. "***Mapping the Risks and Risk Management Practices in Islamic Banking***", Chapter 11 Conclusion and Research Recommendations, Published by John Wiley & Sons Singapore Pte. Ltd, 2019.

[2] https://pajohesh-toyserkan.kowsarblog.ir

[۳] موسویان، میسمی. «***بانکداری اسلامی مبانی نظری-تجارب عملی***». ویراست چهارم. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[۴] صدر، م. ب. (۱۳۵۹). «***بانک مرکزی***». ترجمه ح. ا. خنجی. تهران: انتشارات الفتح.

[۵] هرورانی، حسین. «***چهارچوب بازل و مباحثی پیرامون تنظیم و نظارت ۱ در بانکداری اسلامی***». ۸۶، ۱۳۸۸.

[6] Schoon, Natalie. "***Modern Islamic Banking: Products and Processes in Practice***", Chapter 3 Islamic Finance Products Explained. John Wiley & Sons Ltd. 2016.

[7] Schoon, Natalie. "***Modern Islamic Banking: Products and Processes in Practice***", Chapter 11 Risks in Islamic Banks. John Wiley & Sons Ltd. 2016.

[8] Rifaat Ahmed Abdel Karim. "***The Impact of the Capital Adequacy Ratio Regulation on the Financial & Marketing Strategies of Islamic Banks***", 2001.

[۹] منظور، داود؛ یادی‌پور، مهدی. «کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی»، ***فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی***. س. ۸، ش. ۲۹، ۱۳۸۷.

[۱۰] محسنی، حسین. «***مبانی بانکداری با رویکرد مالی***». تهران: انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، ۱۳۹۳.

[11] https://www.ibena.ir

[۱۲] کاظمیان، مهدی؛ ارجمندنژاد، عبدالمهدی. «اصول راهنمای مدیریت ریسک برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی (غیر از مؤسسات بیمه)». ***انتشارات هیئت خدمات مالی اسلامی***. (دسامبر ۲۰۰۵)، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[13] Schoon, Natalie. "***Modern Islamic Banking: Products and Processes in Practice***", Chapter 14 Capital Adequacy Concerns. John Wiley & Sons Ltd. 2016.

[14] Islamic Financial Services Board (2007) Capital Adequacy Requirements for Sukuk Securitisations and Real Estate Investments, December.